

## چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اجرای حقوق بشر در ایران

زهرا فزاییبی<sup>۱</sup>، زهرا قاسمی<sup>۲\*</sup>، محمدجواد ایزدی<sup>۳</sup>، فاطمه بیرجندی<sup>۴</sup>

۱- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی کارشناسی حقوق،

۲- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دکترا،

۳- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی کارشناسی حقوق،

۴- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی دکتری و هیات علمی،

*z.ghasemi1986@yahoo.com*

### چکیده

مقوله حقوق بشر و اجرای آن در جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی روبرو است. از جهت داخلی، وجود ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در زمینه تدوین، تفسیر و چگونگی اجرای حقوق بشر چندان به رویکردهای لیبرالی، غربی و وارداتی توجهی نمی‌کند و رویکرد مستقل خود را در پیش می‌گیرد. از جهت خارجی نیز بارها مشخص شد که مقوله حقوق بشر ابزاری برای تحت فشار قرار دادن کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران در سایر زمینه‌ها است. این برخورد دوگانه در عرصه منطقه‌ای نیز دنبال می‌شود. به‌عنوان مثال، برخلاف تحت فشار قرار دادن ایران از سوی نهادهای بین‌المللی و جهانی در این زمینه، نقض آشکار حقوق بشر در کشورهای همسایه چندان برجسته نمی‌شود. به همین دلیل نوشتار حاضر این پرسش را پیش می‌کشد: چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اجرای حقوق بشر در ایران کدام هستند؟ فرضیه مقاله این است که رویکرد دوگانه غرب در مواجهه با حقوق بشر در ایران، چالش‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و داخلی گسترده‌ای را پدید آورده است.

**واژگان کلیدی:** حقوق بشر، چالش‌های منطقه‌ای، چالش‌های بین‌المللی، حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر غربی.

### ۱- مقدمه

حقوق بشر به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق عام و جهان‌شمول که موردقبول اغلب جوامع و نظام‌های سیاسی جهان قرار گرفته است، جایگاه مهمی در حفظ و تقویت حقوق انسانی در عصر کنونی داشته است. سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین نهاد بین‌المللی مدافع اجرای حقوق بشر، سازوکارهای متعددی را در این زمینه به اجرا درآورده است، به طوری که سازمان‌های غیردولتی گسترده‌ای تحت لوای سازمان ملل به حمایت از موضوع حقوق بشر پرداخته‌اند. معاهدات، اعلامیه‌های حقوق بشری، لوایح و نهادهای مبتنی بر منشور از مهم‌ترین سازوکارهای سازمان ملل برای بسط و گسترش حقوق بشر در سراسر جهان است. با این حال، موضوع حقوق بشر همچنان به چالش‌هایی روبرو است، به طوری که اجرای آن در هر کشوری با مشکلات و موانع متعددی روبروست. از این جهت، بررسی موانع اجرای حقوق بشر در کشوری مانند ایران نیز جالب توجه است. در راستای اجرای حقوق در ایران، نظام جمهوری اسلامی نیز اسناد و معاهدات مهمی را پذیرفته و بر مبنای آنان نیز عمل می‌کند. از این جهت نهادهای ملی و داخلی اجرای حقوق بشر در ایران در راستای سازوکارهای بین‌المللی معاهدات گوناگونی را پذیرفته است. با این حال، اجرای حقوق بشر و پذیرش ضوابط بین‌المللی آن همچنان با چالش‌هایی روبرو است. مهم‌ترین چالش، تضاد میان حقوق جهان‌شمول و حقوق محلی و کشوری است که بر مبنای دو رویکرد متفاوت تهیه شده است. بدین معنا

که غلبه رویکرد سکولار و لیبرال بر اسناد، سازمان‌ها و نهادهای مهم حقوق بشری باعث برخی انتقادات از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مدافعان حقوق دینی در مسأله حقوق بشر شده است. به علاوه، مواضع دوگانه سازمان‌های حقوق بشری و کشورهای قدرتمند و بانفوذ بین‌المللی در زمینه حقوق بشر باعث شده تا جمهوری اسلامی ایران همواره نگاهی انتقادی به موضوع حقوق بشر داشته باشد. در همین راستا پژوهش حاضر درصدد است تا مهم‌ترین چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اجرای حقوق بشر در ایران را مورد بررسی قرار دهد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای اجرای حقوق بشر در ایران، مواضع دوگانه نهادهای متولی حقوق بشر و نقش قدرت‌های بزرگ در تدوین و اجرای حقوق بشر است. پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره می‌برد. ساختار پژوهش بدین ترتیب است که ابتدا تعریفی از حقوق بشر ارائه می‌شود، سپس نگاهی به تفاوت‌های حقوق بشر اسلامی و لیبرالی انداخته می‌شود و سپس در قالب چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اجرایی حقوق بشر در ایران، تعامل و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران و نهادهای حقوق بشری در سطح جهان بررسی می‌شود.

### ۱-۱- روش تحقیق

این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که به روش مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. هدف اصلی بحث پیدا کردن پاسخ‌های علمی و مستدل به پرسش‌های مطرح شده در پژوهش است.

### ۲- حقوق بشر چیست؟

حقوق بشر در معنای خاص خود شامل مجموعه‌ای از حقوق عام و نظام حقوقی محسوب می‌شود. در تعریف نظام حقوقی می‌توان گفت مجموعه‌ای از قوانین جاری است که مظهر وحدت و انسجام ذاتی آن، دسته‌ای از اصول و قواعد حقوق محسوب می‌شود که به عنوان مبادی قوانین و مقررات شناخته می‌شوند و نمایانگر انقسام و تفریع اصول به فروع برحسب نیازها و رویدادهای ناشی از روابط اجتماعی هستند که به‌طور کلی مصداق‌ها و موردهای جزئی آن قاعده‌های کلی هستند (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۵). از این جهت حقوق بشر به‌عنوان جزئی از حقوق عمومی و نظام حقوقی شامل مجموعه «حق»هایی است که به انسان تعلق می‌گیرد و صرفنظر از نژاد، رنگ، جنسیت، طبقه و... بدو تعلق دارند. به‌علاوه، حقوق بشر دسته‌ای از حقوق است که نقش ویژه‌ای در شکل معقولی از قانون مردمان دارد: این حقوق دلایل توجیه گر جنگ و چگونگی پیشبرد آن را محدود، و حدود و ثغوری را برای خودمختاری داخلی هر رژیمی مشخص می‌کند. از این جهت، حقوق بشر منعکس‌کننده دو تحول اساسی و به لحاظ تاریخی ژرف در نحوه فهم اختیارات حاکمیت از زمان جنگ جهانی دوم بوده است. نخست اینکه جنگ دیگر نوعی ابزار مجاز برای سیاست حکومت نیست و تنها در مقام دفاع از خود، یا در موارد حاد مداخله برای صیانت از حقوق بشر، توجیه پذیر است. و دوم اینکه خودمختاری داخلی حکومت اکنون محدود است (راولز، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

«حقوق بین‌المللی بشر» در ژانویه ۱۹۴۱ با پیام موسوم به «چهار آزادی» فرانکلین دلانو روزولت رئیس جمهور آمریکا خطاب به کنگره طرح ریزی شده و در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد پدید آمد (فروغی نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۰). بنابراین اعلامیه حقوق بشر که به طور خاص از سال ۱۹۴۸ و توسط سازمان ملل متحد وارد تعهدات و معاهدات بین‌المللی شد، شرایط و الزامات خاصی را برای نظام‌های سیاسی در سطح جهان پدید آورده است. پس از اعلام این معاهده توسط سازمان ملل، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی گسترده‌ای در زمینه حقوق بشر و موضوعات جانبی ظهور کردند که هر یک بر ابعاد خاصی از آن توجه نشان می‌دادند.

امروزه حقوق بشر نقش مهمی در میزان بهره‌مندی مردم در یک نظام سیاسی از حقوق شهروندی محسوب می‌شود و معیارهای متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده است. حتی هنگامی که از حکمرانی، جامعه مطلوب و نظام سیاسی در جایی سخن گفته می‌شود، ابعاد حقوق بشری بیش از پیش به چشم می‌خورند. بنابراین به طور کلی، وقتی شروع به واکاوی مقتضیات حکومت مطلوب می‌کنیم، ایده حقوق بشر می‌تواند نقش مهمی بازی کند (موف، ۱۳۹۴: ۵۱). به علاوه، ایده حقوق

بشر دارای سوابق تاریخی است که امروزه به صورت نهادهای گوناگون در جهان دیده می شود. تاریخچه حقوق بشر به دوران‌های مختلفی بر می‌گردد. [اعلامیه] مگنا کارتا (۱۲۱۵)، دادخواست حقوق (۱۶۲۸)، قانون اساسی مشروطه آمریکا (۱۷۸۷)، اعلامیه حقوق مردان و شهروندی فرانسه (۱۷۸۹)، قانون حقوق آمریکا (۱۷۹۱)، و تعدادی از دست‌نوشته‌ها و اعلامیه‌های امروزی که در زمینه حقوق بشر نوشته شده است (کمیته آموزش حقوق بشر آفریقای مرکزی، ۲۰۱۵: ۳). بدین ترتیب بررسی اسناد پشتوانه‌ای حقوق بشر نشان می‌دهد که نقش رویکردهای لیبرالی و غربی در تدوین و اعلام رویکردهای حقوق بشری روشن است. بدین معنا که میان ارزش‌های غربی لیبرالی و ارزش‌های حقوق بشری پیوند وثیقی برقرار است.

بر اساس قواعد و مقررات حقوق بشر، انسان‌ها اصولاً حق دارند نه تکلیف. تکلیف بر عهده دولتی است که ملزم به رعایت حقوق بشر است. این حقوق، همه افراد انسانی را صرف نظر از رنگ، نژاد، جنس، مذهب و... در همه زمان‌ها و مکان‌ها و تحت هر شرایطی زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهد (سلمیان‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۱). همین موضوع باعث شده تا قواعد حقوق بشری تا اندازه زیادی مورد توجه و حمایت دولت‌ها در سراسر جهان قرار گیرد و آن‌ها نیز همواره خود را حامی حقوق بشر در داخل کشور خود و در سطح نظام بین‌الملل معرفی کنند. هرچند نباید از انتقادات مطرح شده در این زمینه غفلت ورزید. به هر حال، با توجه به تحولات موجود در نظام بین‌الملل، حقوق بشر در هزاره جدید، اهمیت خود را احراز نموده است. فرایند تحولات، رو به سوی حمایت از موضوع حقوق بشر دارد. اعتقاد تاریخی و دیرینه نسبت به رعایت حقوق بشر که از گذشته‌های دور نزد اندیشمندان و فرهیختگان وجود داشت، امروز بُعد بین‌المللی یافته و سازمان ملل متحد به عنوان عامل اجرایی و ناظر، نسبت به رعایت حقوق بشر به هنگام پایان جنگ سرد بر می‌گردد. بر این اساس بزرگترین اجماع جهانی در آغاز قرن بیست و یکم و در هزاره جدید، اعتقاد راسخ نسبت به مبانی حقوق بشر خواهد بود. عوامل تسهیل‌کننده فرایند این اجماع عبارتند از: وجدان مشترک بشری در مورد تعهدات عام، همبستگی بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر، افزایش نقش سازمان ملل متحد، جهان شمولی حقوق بشر و... (قادری کنگاوری و روئین تن، ۱۳۹۲: ۸۳). ضمن اینکه ظهور نسل جدیدی از حقوق بشر با عنوان حقوق جمعی (حقوق همبستگی) نقش مهمی در پیوند گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی با موضوع حقوق بشر و پذیرش آن از سوی جنبش‌های اجتماعی جدید شده است. جنبش‌هایی که از افزایش معیارها برای تعریف حقوق شهروندی و همچنین از توانایی رو به رشد نهادهای عمومی و خصوصی برای دخالت در حوزه‌هایی از زندگی خصوصی نظیر بهداشت جسمی و روانی (دل‌پورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ۸۹) و همچنین بررسی ابعاد جدیدی حقوق شهروندی نظیر کیفیت زندگی و بهبود سطح آموزش در سراسر جهان دفاع می‌کنند. بنابراین حقوق بشر همچنان در حال گسترده شدن است.

### ۳- حقوق بشر لیبرالی و حقوق بشر اسلامی

هرچند حقوق بشر یک موضوع عام و جهانشمول تلقی می‌شود، اما رویکردهای متفاوتی نسبت به این مسأله وجود دارد. به طوری که می‌توان گفت برحسب ایدئولوژی‌های گوناگون، رویکردهای متفاوتی درباره حقوق بشر وجود دارد. بنابراین در نگاه کلی، حقوق بشر نه متعلق به یک قوم یا ایدئولوژی خاصی، بلکه به همه جهانیان تعلق دارد. البته با توجه به اینکه حقوق بشر همزاد پیدایش انسان بوده و به آن اشاره شده برخی از پادشاهان باستان مثل کوروش و داریوش نیز بر رعایت حقوق بشر تأکید کرده‌اند و این را ما در فرامین شاهد هستیم، در دین مبین اسلام نیز به کرات به رعایت حقوق بشر اشاره شده از جمله خطبه‌های پیامبر اکرم (ص) در مورد حقوق بشر بسیار مورد توجه است (فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۰). با این حال، آنچه جنبه رسمی پیدا کرده و امروزه به عنوان مبنایی برای حقوق به شمار می‌رود، اعلامیه سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ میلادی است که توسط اغلب کشورهای جهان پذیرفته شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک نظام سیاسی مستقل معاهدات مربوط به حقوق بشر را پذیرفته است و در حال حاضر در اغلب کمیته‌ها و کمیسیون‌های حقوق بشری فعالیت دارد.

با توجه به موارد پیش‌گفته و با رجوع به محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر به ویژه مقدمه آن به موارد زیر می‌توان اشاره

کرد:

الف: شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری؛

ب: رسیدن به دنیایی فارغ از هر نوع ترس و فقر به عنوان بالاترین آمال بشری؛

ج: آزادی بیان و عقیده؛

د: حمایت قانونی از حقوق بشر در مقام اجرا؛

ه: توسعه روابط دوستانه بین الملل؛

و: تساوی حقوق زن و مرد؛

ز: همکاری دولت ها با سازمان ملل در این راستا؛

ح: حسن تفاهم مشترک نسبت به این حقوق.

مجمع عمومی نیز این امور را به عنوان آرمان مشترکی برای کلیه ملل اعلام می کند تا در نتیجه این حقوق در سطح بین

المللی مورد شناسایی و اجرا قرار گیرد (راعی، ۱۳۹۱: ۱۶).

حقوق بشر کنونی آموزه ای کاملاً لیبرالی است. در بند یک اعلامیه وین، خاطرنشان می شود که همه انسان ها «آزاد و به لحاظ شرافت و حقوق شان برابر به دنیا می آیند». این اعلامیه بار دیگر بر جهان شمول بودن حقوق بشر تأکید دارد؛ یعنی این باور که همه انسان ها، تنها به سبب انسان بودنشان، از این حقوق بهره مند می شوند. این باور به جهانشمول بودن پدیده حقوق بشر، از آموزه های لیبرالی روشنگری در قرن هجدهم اروپا سرچشمه می گیرد (برنل و رندال، ۱۳۸۹: ۲۹۷). روشن است که اعلامیه حقوق بشر و حتی توصیه هایی که توسط سازمان های حقوق بشری در سطح جهان اعلام می شود، همگی بر مبنای «محق» بودن انسان ها می چرخد و از این رو تکلیفی برای انسان ها در نظر نمی گیرد. این رویکرد به وضوح در تقابل با حقوق بشر اسلامی قرار می گیرد که مسأله حقوق و تکالیف را به صورت همزمان در نظر می گیرد.

اگر دین را به عنوان مبنا و منبع حقوق بشر مدنظر قرار دهیم این واقعیت قابل انکار نیست که حقوق نه تنها بریده از تکالیف انسان نیست؛ بلکه در راستای تأمین نیازهای مادی و معنوی او نیز می باشد. انسان از آنجا که بنده خداوند است وظیفه بندگی را باید به نحو احسن انجام دهد و از این بعد، او عبد محض است و این عبودیت بهترین مسیر برای رسیدن او به کمال حقیقی است. در عین حال خداوند براساس نیازهای انسان در راه رسیدن به تکامل، امتیازاتی به او بخشیده که از آن به حقوق تعبیر می کنیم. این اعطاء چیزی جز تجلی صفات جمال و جلال خداوند نیست؛ به او حیات طیبه بخشید تا بتواند از این موهبت الهی در راه تحصیل معارف به وسیله نیروی عقل قدم بردارد. او را موجودی آزاد و مختار آفرید تا بتواند مسئولیت پذیر باشد. او را حقوق مساوی بخشید تا چیزی سد راه او نشود. زن و مرد به تناسب خلقت خود نیازهایی خاص خود دارند، همچنان که مشترکاتی نیز دارند و خداوند به اعتبار این نیازها، امکاناتی را برای آن ها قرار داده است و این نه به معنای تبعیض است که تبعیض فرع بر تساوی است و بدون تساوی، فرق گذاری را نمی توان تبعیض قلمداد کرد. بنابراین، حقوق برای بشر، باید ناظر به هر دو بعد باشد و در عین حال او موجودی مکلف است و حقوق مبتنی بر نیازهای مادی و معنوی انسان است؛ انسانی که در راه رسیدن به تکامل حقیقی خود باید از امکانات لازم برخوردار باشد. این حقوق براساس تعریف دقیق از بشر تبیین حقیقی پیدا می کند و آن نیز براساس معیارهای ایدئولوژیکی و جهان بینی استوار می گردد (راعی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳).

در حقوق بشر اسلامی، «فطرت» انسانی جایگاه خاصی دارد. بدین معنا که برابری انسان ها نه بر مبنای جایگاه آنان در نظم اجتماعی، بلکه بر مبنای فطرت الهی آنان توجیه می شود. در یکی از آیات قرآن چنین بیان شده است: یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجلاً کثیراً و نساءً؛ (نساء ۱)؛ ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، همو که شما را از یک تن یگانه بیافرید و همسر او را هم پدید آورد و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکند؛ یعنی زن و مرد و هر دو از یک عنصر آفریده شده اند و هر دو جنس از اصل واحدی سرچشمه می گیرند و بسیاری نیز از آنان به وجود می آیند (سلامتی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۵).

همچنین در حقوق بشر اسلامی علاوه بر اینکه حقوق متعلق به انسان است، دارای وجه ایجابی نیز می باشد که به معنای فراهم کردن شرایطی برای شکوفا شدن استعدادهای آدمی است. بنابراین مسأله «آموزش» حقوق بشر و تعلیم آن به افراد جامعه در حقوق بشر اسلامی مورد توجه است. بدین ترتیب، یکی از بهترین راه های ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی های

اساسی، درونی ساختن و نهادینه کردن ارزشها و اصول حقوق بشر است که به منظور تحقق یافتن آن آموزش حقوق بشر ضروری می باشد و برای موثرتر ساختن این آموزش ها نیازمند شناخت و بررسی شیوه ها و روش های آموزشی هستیم که بتواند ما را در رسیدن به این هدف یاری رساند (نواب دانشمند، ۱۳۸۶: ۱۲۹). این رویکرد به راحتی در تقابل رویکرد غربی و لیبرالی حقوق بشر قرار می گیرد که تنها به وضع حقوق برابر انسان ها می اندیشد. از این منظر، حقوق بشر، حقوقی است که تنها برای وضعیت انسانی ضروری است، نه اینکه موجب ارتقای فضایل و شکوفایی انسان باشد (رز، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

از منظر اندیشه اسلامی، انسان دارای کرامت ذاتی الهی است. احترام به کرامت انسانی انسان ها نخستین اصلی بود که شعله های هدایت و ایمان را در دل های آحاد مردم برافروخت و سبب گردید انسان ها، اعم از زن و مرد، فوج فوج به دامن پر مهر اسلام، پناه آورند. این نگاه، هرگز جنس یا گروهی را استثنا نمی کرد، بلکه همه آحاد انسانی، اعم از سیاه و سفید، زن و مرد، عرب و عجم را در نزد پروردگار برابر می دانست و هیچ اختلافی جز در پرتو پروای الهی و نزدیکی به آسمان معنا نمی شد. هرچند برخی در تفسیر این برابری، راه مغالطه را پیمودند و این تصور را القا نمودند که انسان ها همچنان که ذات و ماهیت بشری واحدی دارند، حقوق و تکالیف شان نیز هرچند امور مربوط به - فیزیک شان باشد - کاملاً مساوی و برابر است. بطلان این قول آن چنان روشن است که نیازی به اثبات و برهان نیست، زیرا آنجا که بحث از برابری می شود، امور مربوط به ذات و طبیعت واحد بشری مراد است، نه مسائل عارض بر جسم و جنس (سلامتی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۲). در تأیید این دیدگاه به آیات متعددی از قرآن کریم استناد می شود. به عنوان نمونه جایی که آورده شده است: یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ (حجرات: ۱۳). ترجمه آیه چنین است: هان ای مردم! همانا ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده ایم و شما را به هیئت اقوام و قبایلی در آورده ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید. بی گمان گرامی ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شماست. همانا خداوند دانای آگاه است.

مفهوم این آیه آن است که شما همگی از یک پدر و مادر خلق شده اید، بنابراین هیچ کدامتان از حیث تیره و نژاد، بر دیگری برتری ندارید. اگر پروردگار، شما را به هیئت اقوام و قبایلی در آورده است برای رجحان بخشی قومی بر قوم دیگر یا قبیله ای بر قبیله دیگر نبوده، بلکه فقط به سبب انس و آشنایی و شناسایی و نام گذاری یکدیگر بوده است، چرا که شأن افراد و اشخاص در جامعه انسانی، ایجاب می کند که با نام های مختلف از هم شناخته شوند. تفاضل میان انسان ها از دید پروردگار متعال، بر اساس کردارها و محافظت از حدود دین شان است، لذا گرامی ترین انسان ها را با تقواترین شان معرفی می کند.

استدلال این است که دیدگاه اسلام دیدگاهی جهانشمول و دربرگیرنده همه زمان ها و مکان هاست و این جهانشمولی به دلیل خصلت تغییرناپذیر انسان ها، برتری قابل قبولی نسبت به نظریه های حقوق بشر غربی دارد که از نسبی گرایی در مقوله حقوق بشر دفاع می کنند. درحقیقت، دیدگاه نسبی گرایان، در برابر دیدگاه جهان گرایان در خصوص بررسی هنجارهای حقوق بشر و رابطه آن با فرهنگ قرار می گیرد؛ زیرا جهان گرایان بر این اعتقادند که میثاق های بین المللی حقوق بشری، دارای ویژگی جهان شمولی اند. آنها قواعدی فراگیر را ارائه می دهند که ریشه در مفهوم کرامت انسانی دارد و همه افراد بشر و همه جوامع را در برمی گیرد. این در حالی است که نسبت گرایان فرهنگی بر این اعتقادند که اصول و موازین حقوق بشری را باید براساس نسبی گرایی فرهنگی و متفاوت از یک جامعه ای به جامعه دیگر ارزیابی و مطالعه کرد (عباسی اشلقی، ۱۳۹۵: ۱۵).

#### ۴- چالش های جهانی اجرای حقوق بشر در ایران

جمهوری اسلامی ایران دوره های متعددی از همکاری و چالش را با نهادها و سازمان های بین المللی در زمینه حقوق بشر گذرانده است. به همین دلیل در این زمینه می توان رویکردهای متفاوتی را مورد توجه قرار داد.

#### ۴-۱- تعامل جمهوری اسلامی و نهادهای حقوق بشری

جمهوری اسلامی ایران به منظور همکاری با نهادهای حقوق بشری در سطح جهان و گسترش فرهنگ حقوق بشری در داخل به عضویت بسیاری از نهادها و سازمان های بین المللی درآمده است و در این زمینه نیز اقدامات متعددی انجام داده است.

علاوه بر عضویت در سازمان ملل و پذیرش معاهدات حقوق بشری مرتبط با آن، نهادهای و سازمانها متعددی در داخل کشور نیز تشکیل شد که همگی در راستای ترویج و گسترش فرهنگ حقوق بشری شکل گرفته اند. به طور خاص در این زمینه می توان به نهادها و اقدامات زیر اشاره کرد:

یکی از این نهادها، نهاد کمیته ملی حقوق بشر دوستانه است که در سال ۱۳۷۶ تأسیس شد. وظایف و اختیارات این کمیته عبارت است از:

۱. تصمیم گیری در خصوص نحوه اجرای مقررات بشردوستانه در سطح ملی و در چارچوب مقررات جاری.
  ۲. نظارت بر رعایت حقوق بشر دوستانه در سطح ملی.
  ۳. آموزش و ترویج مفاهیم حقوق بشر دوستانه در میان نیروهای مسلح، عموم مردم و در مقاطع مختلف تحصیلی.
  ۴. تهیه و ارائه پیشنهاد تصویب قوانین و مقررات در جهت رعایت و اجرای حقوق بشر دوستانه و همچنین پیشنهاد الحاق جمهوری اسلامی ایران به معاهدات بین المللی مربوطه.
  ۵. ارائه نظرات مشورتی در زمینه تبیین و تفسیر مقررات بشردوستانه.
  ۶. پیگیری امور حمایت از کلیه اشخاص مشمول مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی.
  ۷. تشریح و ترویج نقطه نظرات و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال حقوق بشر دوستانه برای ارائه به مجامع و نهادهای ملی و بین المللی با هماهنگی وزارت امور خارجه.
  ۸. همکاری با سازمان های منطقه ای و بین المللی به منظور ترویج و اجرای حقوق بشر دوستانه با هماهنگی وزارت امور خارجه.
  ۹. پیگیری موارد نقض مقررات بشردوستانه در سطح بین المللی و ارائه گزارش به مجامع بین المللی زیربط.
  ۱۰. هماهنگی و تبادل اطلاعات علمی و تحقیقاتی با مراجع داخلی و خارجی در زمینه حقوق بشر دوستانه.
- نهاد مرتبط دیگر ستاد صیانت از حقوق شهروندی و حریم امنیت عمومی است. وظایف این ستاد به شرح زیر است:
۱. بررسی سیاست ها، راهبردها، برنامه ها و اقدامات انجام شده در حوزه امنیت عمومی و حقوق شهروندی و ارائه پیشنهادات اصلاحی به مراجع تصمیم گیر در صورت برخورد با مشکل.
  ۲. برنامه ریزی، هماهنگی و پیگیری وظایف مربوط به تصمیمات ستاد.
  ۳. بررسی و تبیین و معرفی حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی در حوزه کار ستاد.
  ۴. تبیین شیوه های مناسب فرهنگی و تنظیم رابطه کریمانه و محبت آمیز بین مجرمان و عموم مردم.
  ۵. آسیب شناسی علمی از تخلفات سازمانی احتمالی دستگاه ها و برنامه ریزی لازم برای ایجاد رابطه مناسب دستگاه ها با مردم و ممانعت از تقابل دستگاه با مردم.
  ۶. هماهنگی، هدایت و عنداللزوم حمایت از تدابیر دستگاه ها و نهادهای مسئول در راستای انجام وظایف قانونی و ارائه خدمت مطلوب به مردم در حوزه امنیت عمومی و حقوق شهروندی (معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، ۱۳۹۰: ۵۵).
- به علاوه ستاد حقوق بشر قوه قضاییه بنا بر وظایف و صلاحیت های قوه قضاییه مبنی بر پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و مسؤولیت تحقق عدالت و وظیفه احیای حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادی های مشروع ایجاد شده است (معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، ۱۳۹۰: ۵۶).
- نقش ستاد حقوق بشر قوه قضاییه در زمینه حقوق بشر، بررسی گزارش های حقوق بشری درباره جمهوری اسلامی ایران و ارائه گزارش از وضعیت حقوق بشر در داخل نیز بسیار برجسته است. چه اینکه بررسی شرح وظایف این نهاد، چنین امری را به ذهن متبادر می سازد. اهم وظایف این ستاد عبارت است از:
۱. تبیین و معرفی حقوق بشر اسلامی.
  ۲. بررسی مشکلات حقوقی-قضایی مرتبط با حقوق بشر اسلامی و ارائه راه حل هایی اجرایی و مناسب با قوانین جمهوری اسلامی با تشکیل کمیته ای از صاحب نظران قوه قضاییه و دانشگاه.

۳. شناسایی و معرفی افراد مناسب به رئیس قوه قضاییه جهت حضور در مجامع و اجلاس های بین المللی مربوطه.
۴. تهیه پاسخ مناسب به ادعاها و شکایاتی که از نظر قوانین جمهوری اسلامی ایران وارد تشخیص داده می شود و ارائه گزارش به رئیس قوه قضاییه جهت اتخاذ تصمیم لازم.
۵. ارائه گزارش به ریاست محترم قوه قضاییه در خصوص کاستی ها، نیازمندی ها و مشکلات مبتلا در عرصه داخلی و بین المللی و ارائه پیشنهاد و راهکارهای اجرایی برای بهبود و تلاش در سازوکارهای مرتبط با حقوق بشر.
۶. اقدام لازم نسبت به سایر موارد مرتبط با حقوق بشر بر حسب ارجاع رئیس قوه قضاییه (معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، ۱۳۹۰: ۵۷).

کمیسیون حقوق بشر اسلامی که در سال ۱۳۷۴ کار خود را آغاز کرد، نقش پررنگی در آموزش حقوق بشر در ساختار جمهوری اسلامی بر عهده دارد. این کمیسیون نیز زیر نظر قوه قضاییه فعالیت می کند. اهداف کلی این کمیسیون عبارتند از:

۱. تبیین، آموزش و گسترش حقوق بشر.

۲. نظارت بر چگونگی برخورداری و رعایت حقوق بشر به وسیله شخصیت های حقوقی و حقیقی.
۳. رسیدگی و پیگیری موارد نقض حقوق بشر که از طرق مختلف به این کمیسیون می رسند.
۴. همکاری با سازمان های ملی و بین المللی حقوق بشر به ویژه رسیدگی و پیگیری مسائل مربوط به جمهوری اسلامی ایران (معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، ۱۳۹۲: ۶۰).

بدین ترتیب ملاحظه می شود جمهوری اسلامی ایران در راستای ترویج فرهنگ حقوق بشر و بسط و گسترش مفاهیم حقوق بشری نهادها و سازمان های متعددی را پدید آورده است که هر کدام نیز وظایف متعددی را انجام می دهند. ضمن اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان نقشه راه جمهوری اسلامی و رفتار و گفتار رهبران ایران نیز ارتباط تنگاتنگی با حقوق بشر پیدا می کند که در اینجا بدان پرداخته می شود.

#### ۴-۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حقوق بشر

جمهوری اسلامی ایران برخی از اسناد مهم حقوق بشری نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۲) و... را که حاوی مقرراتی در راستای ترویج و آموزش حقوق بشرند به تصویب رسانده و عضویت در بسیاری از اسناد حقوق بشری نظیر اعلامیه وین و برنامه عمل (۱۹۹۳) که در آن تأکید زیادی بر امر آموزش حقوق بشر گردیده را پذیرفته است (مهرپور، ۱۳۸۳: ۱۴). به همین دلیل و در سطح کلی، جمهوری اسلامی ایران تا حدود زیادی به معاهدات و اعلامیه های بین المللی در زمینه حقوق بشر پایبند است و حتی ستادها، نهادها و سازمان های دولتی و غیردولتی نیز در داخل کشور در زمینه مسائل حقوق بشری فعالیت می کنند. ضمن اینکه بررسی اصول و موارد قانون اساسی نشان می دهد که اصل برابری و پذیرش عقاید گوناگون به عنوان مبانی اصلی حقوق بشر در جامعه ایرانی پذیرفته شده است.

در این باره و با تکیه بر نص صریح قانون اساسی می توان گفت اصل سیزدهم قانون اساسی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی را تنها اقلیت های دینی شناخته شده می داند که در حدود مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند (منصور، ۱۳۹۱: ۱۲). به علاوه در اصل نوزدهم قانون اساسی، بر برابری آحاد مردم در پیشگاه قانون اساسی تأکید شده است. چنان چه در اصل نوزدهم بیان شده که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود (منصور، ۱۳۹۱: ۱۳). بدین ترتیب با توجه به دو مسأله می توان گفت مسأله حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران یک اصل پذیرفته شده است. اول اینکه از جهت عضویت و حمایت جمهوری اسلامی از نهادها، سازمان ها و اعلامیه های حقوق بشری و دوم، موارد متعددی در قانون اساسی در جهت حفظ و گسترش فرهنگ حقوق بشری. اما این مسائل باعث نمی شود تا انتقادات جمهوری اسلامی ایران از مسأله حقوق بشر نادیده گرفته شود.

## ۴-۳- چالش‌های جهانی اجرای حقوق بشر در ایران

حقوق بشر نه تنها برای جامعه ایرانی که برای همه فرهنگ‌های خاص در سطح جهان یک نوع تحمیل فرهنگ غربی محسوب می‌شود. از این منظر حقوق بشر نمونه دیگری از سلطه کم و بیش آگاهانه‌ای است که ملت‌های قدرتمند به کار می‌گیرند تا برتری خود را حفظ کنند و از وضع موجود دفاع کنند، این حقوق، سلاحی سیاسی باقی می‌ماند (پانیکار، ۱۳۹۴: ۲۴). به همین دلیل اغلب در مواضع سیاستمداران کشورهای گوناگون و مخصوصاً سران جمهوری اسلامی مشاهده می‌کنیم که آنان، حقوق بشر را دستاویزی برای قدرت‌های غربی با سرکردگی آمریکا می‌دانند که خواهان توجیه منافع خود در سراسر جهان است.

علاوه بر این، برخی معتقدند که اندیشه جهانشمولی حقوق بشر باعث رد برابری فرهنگ‌ها و تحمیل یکنواختی غربی می‌شود، به طوری که دشواری بیشتر در آنجاست که حقوق بشر را به مثابه فرآورده‌ای پرورده در گهواره اندیشه مغرب زمین، به سادگی و به طور آماده نمی‌توان وارد جامعه‌ای ساخت که در آن انسان‌ها عمدتاً دارای وظیفه‌اند و نه حق که همین امر باعث اختلاف میان طرفداران دو تئوری جهان‌شمولی حقوق بشر و نسبی‌گرایی فرهنگی پیرامون حقوق بشر شده است. این امر در برخورد حاکمیت کشورهای مسلمان با مفاهیم حقوق بشر نمود بیشتری دارد که چالش‌های جدی را در این زمینه به وجود آورده است (فروغی نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۵). به طوری که در جامعه کنونی ما نیز بحث حقوق بشر اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است و حتی مدافعان این ایده بر این عقیده هستند که حقوق بشر اسلامی به نحو بهتری می‌تواند اوضاع حقوق بشر در جهان را سامان بخشد.

یکی دیگر از موانع بین‌المللی اجرای حقوق بشر در ایران، عدم رعایت عدالت و دخالت در امور داخلی ایران از سوی کشورهای غربی است که همواره و تحت عنوان دفاع از حقوق بشر فشارهای گسترده‌ای را بر جمهوری اسلامی وارد کرده‌اند. این موضوع مخصوصاً در زمینه تحریم‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر مشهود است. در این راستا باید گفت این مسأله نقض عدالت جهانی در حق ملت‌ها و دولت‌ها به شمار می‌رود و یکی از چالش‌های اساسی محسوب می‌شود. چنان که میلر<sup>۱</sup> نیز معتقد است عدالت جهانی مستلزم احترام به حقوق بشر و محافظت از این حقوق در همه جا است. بنابراین ما نباید در امور کشورهای دیگر مداخله کنیم، صرفاً بخاطر اینکه از به رسمیت شناختن حقوقی که ما مهم می‌شماریم، مثل حق رأی عمومی یا آزادی نامحدود مذهبی، سرباز می‌زنند (می‌توانیم کشورهای دیگر را با مشوق‌های گوناگونی به پذیرش حقوق مضبوط در فهرست بلند [حقوق بشر] تشویق کنیم)، اما نباید سعی کنیم آن‌ها را به این کار وادار کنیم (میلر، ۱۳۸۸: ۱۷۴).

علاوه بر این، قواعد، هنجارها و الگوهای حقوق بشر غربی، جهانشمول نیست و برخلاف آن چیزی که ادعا می‌شود نمی‌تواند مدعی برابری و احترام به همه گونه‌های فرهنگی در سراسر جهان باشد. به طوری که می‌توان گفت قواعد حقوق بشر زمانی می‌تواند جهانشمول باشد که خروجی مشترک فرهنگ‌های بزرگ و تاثیرگذار جوامع بشری در عین احترام به سایر فرهنگ‌ها بوده و اعتقادی راسخ در میان ملل بدان باشد؛ لذا حقوق‌دانان و برخی نمایندگان کشورهای اسلامی با درک این واقعیت و ابهام در وضعیت رژیم حقوق بشر غربی در مقابل حمله غرب شروع به ایستادگی کرده و اساس این رژیم را به چالش کشاندند (جاوید و مکرمی قرطاول، ۱۳۹۱: ۶۲).

همچنین جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده است که نقش و حمایت قدرت‌های بزرگ جهانی مخصوصاً آمریکا در سازوکارهای حقوق بشری، باعث تبعیض میان کشورهای مختلف می‌شود. چنان‌چه آمریکا با تأمین بودجه نهادهای مالی و بانکی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول، موضوع حقوق بشر را از حالت خاص خود خارج ساخته و به ابزاری برای فشار بر کشورهای مستقل تبدیل کرده است. از این جهت، در عمل هم چون حمایت از حقوق بشر و جنبه‌های عینی آن رابطه‌ای تنگاتنگ با سیاست‌ها و منافع‌های سیاسی دارد، دولت‌هایی که از اقتدارات و امکان‌های عملی بیشتری در نظام بین‌الملل برخوردارند، فرصت خواهند یافت تا سازوکارهای بین‌المللی شدن و روند اجرای این نظام حقوق بشری را به گونه‌ای به کار

1- Miller



گیرند که نوک پیکان همواره یا اغلب، علیه دولت‌هایی باشد که تمایلی به پذیرش این تحمیل‌ها و تحقیرها ندارند (کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰: ۶۰). بارزترین نمونه تبعیض بر علیه کشورها در زمینه حقوق بشر، اعطای حق وتو به پنج کشور اصلی و قدرتمند در سازمان ملل متحد است که باعث می‌شود تا سایر کشورها نتوانند در مسائل اصلی و حساس، جایگاهی داشته باشند. این موضوع مهم‌ترین چالش کشورهای در حال توسعه و قدرتمند محسوب می‌شود. به همین دلیل گفته می‌شود که باید نوعی توازن بین حقوق و حاکمیت دولت‌ها، حقوق افراد و حق دخالت سازمان ملل در اموری که صلح و امنیت بین‌المللی را-مثل نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر- به مخاطره می‌اندازد، برقرار گردد. بازنگری در برخی امتیازات واگذار شده مانند «حق وتو» به کشورهای عضو دائم شورای امنیت که در بسیاری موارد کار این رکن را به بن بست کشانده و نگرانی‌هایی را به دنبال آورده، از جمله مواردی است که می‌تواند زمینه تأثیرگذاری این نهاد بین‌المللی را در فراگردهای صلح آینده، بخصوص ترویج و حمایت از حقوق بشر فراهم آورد. صلحی که مبتنی بر عدالت نباشد چه بسا زمینه ساز جنگ و خشونت گردد (قادری کنگاوری و روئین تن، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۰۰).

#### ۴-۴- چالش‌های منطقه‌ای اجرای حقوق بشر در ایران

چنانچه گفته شد جمهوری اسلامی ایران یکی از نظام‌های سیاسی است که همواره نسبت به استفاده ابزاری از حقوق بشر انتقاد داشته است. با این استدلال که برای کشورهایی که در صفی مستقل از غرب قرار داشته و بر حرکت مستقل خود اصرار دارند، حقوق بشر عملاً به زمینه‌ای برای مسخ فرهنگی و نبردی علیه باورها و مقبولیت‌های نظام‌های سیاسی مخالف غرب و برافکنی پایه‌های امنیت ملی‌شان تبدیل شده، جنگی نرم را میان نظام سلطه و ملت‌های مایل به سلطه‌گریزی جلوه‌گر ساخته است. در این روند، نقد حقوق بشر عمدتاً به نحوه (سوء) استفاده و بهره‌گیری عملی از این نظام مربوط می‌شود (کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰: ۷۱). این موضوع در صحنه منطقه‌ای نیز مشهود است. چنانچه گفته می‌شود قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا با حمایت از هم‌پیمانان منطقه‌ای خود در خاورمیانه درصدد هستند تا فشار خود را در زمینه حقوق بشر بر جمهوری اسلامی ایران افزایش دهند. این موضوع مخصوصاً با افزایش قدرت نرم آمریکا و به کارگیری رسانه‌ها به شکل بیشتری دنبال می‌شود.

براساس طرح خاورمیانه بزرگ برای تغییر در «کنترل درون ساختاری» به این ترتیب الگوی مداخله آمریکا در خاورمیانه مطرح شد. در این روند، الگوهای ساختاری در کشورهای خاورمیانه در معرض دگرگونی قرار گرفت و آمریکا در قالب دیپلماسی عمومی سطح تعامل خود را از حوزه دولت ملی به عرصه فراملی منتقل کرد؛ بنابراین از آنجا که نبود آزادی در کشورهای منطقه به ویژه جهان عرب، توسعه انسانی را به ناپودی می‌کشید، رویکرد تصمیم‌گیرندگان آمریکایی بر نفی اقتدارگرایی و گسترش دموکراسی (حقوق بشر) در خاورمیانه استقرار یافت که اساس سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده را تشکیل می‌دهد (رئیس‌زکی و درخشنده، ۱۳۹۴: ۲۴۱). بنابراین ابزار منطقه‌ای آمریکا نه بر پایه مداخله نظامی که بر پایه حمایت از متحدان منطقه‌ای خود و طرح مسائلی مانند نقش حقوق بشر از سوی ایران دنبال می‌شود.

به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های عمده جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه بر سر مسائلی مانند حقوق بشر، ماهیت ضدسلطه نظام جمهوری اسلامی ایران است که براساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی به چالش کشیده می‌شود. چنانچه این موضوع بارها در فرمایشات امام خمینی (ره) به اشکال گوناگونی مطرح شده است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب در دو کلمه "لا تظلمون و لا تظلمون" خلاصه می‌شود. ایشان بیان می‌دارد که زیر بار سلطه نرفتن، متضمن و مستلزم عدم وابستگی به ساختاری‌های قدرت سلطه‌گر و نیز عدم تعهد به قدرت‌های مستبد می‌باشد. در بیان این اصل می‌فرمایند: مسلمانان تحت سلطه کفار نباشند. خدا برای هیچ‌یک از کفار، سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را قبول کنند» (امام خمینی، ۱۳۶۸: صحیفه نور، ج ۱۴: ۶۸-۳۶). در همین زمینه آیت الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز بیان می‌کنند: «بی‌شک اگر انقلاب اسلامی به مرزهای جغرافیایی ایران محدود می‌شد، تا این اندازه دشمنی استکبار را بر نمی‌انگیخت، لیکن خصوصیت و پیام‌های ناب، مرز جغرافیایی نمی‌شناسد

و لذا ملت های مسلمان تحت تأثیر پیام های انقلاب اسلامی قرار گرفتند و از حرکت اسلامی مردم ایران الگوبرداری کردند و بیداری اسلامی و عزت و اقتدار مسلمانان سراسر عالم را به حرکت درآورد، هر جا مسلمانی بود علیه بی عدالتی ها و ستم های استکبار و دست نشانندگان آنان برآشوبید» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۰: ۶۴).

همین موضوع باعث می شود تا حمایت ایران از جنبش ها و گروه های مقاومت در سطح منطقه گسترش یابد که البته از سوی غرب و حامیان منطقه ای آنان با عنوان «دخالته در امور سایر کشورها» و «نقض حقوق بشر» محسوب می شود. نمونه بارز این مسأله در مخالفت های گسترده درباره حمایت ایران از گروه های مقاومت در منطقه دیده می شود. بنابراین در گفتمان انقلاب اسلامی ایران دفاع از حقوق همه مسلمانان یکی از وظایف مهم و اهداف خدشه ناپذیر تلقی گردیده است. بدین معنی که جمهوری اسلامی خود را متعهد و ملتزم می داند تا در هر گوشه ای از دنیا که به مسلمانی تجاوز و تعدی شود به عنوان نماینده حکومت اسلامی از حقوق آنها دفاع نموده و جلوی تجاوز و تعدی به آنها را در حد توان و قدرت خود بگیرد (عباسی و گلی، ۱۳۹۴: ۱۶۰). چنان چه از همان ابتدا، رهبران انقلاب اسلامی دو اردوگاه شرق و غرب را به چالش می طلبیدند و خواستار تحول و تجدیدنظر در ساختار نظام بین الملل و نهادهای بین المللی از جمله شورای امنیت بودند که برای قدرت های برتر به صورت ناعادلانه حق و توتو در نظر می گرفت. این باور و انگاره در مغایرت با نظام اعتقادی آل سعودی می باشد که با گفتمان سطله، پیوند و اتحاد دیرینه دارد. گفتمان شیعه بر طبق اسناد اعتقادی خود حمایت از مستضعفین و مقابله با مستکبرین را سرلوحه کار خود قرار داده است و به هر نحو ممکن خواهان تغییر وضع موجود و افتادن حکومت ها به دست مردم در سطح منطقه می باشد (همان: ۱۶۳).

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای همواره رقابت سختی با عربستان سعودی به عنوان حامی سیاست های آمریکا در منطقه داشته است و این موضوع یکی دیگر از مهم ترین چالش های منطقه ای اجرای حقوق بشر در ایران تلقی می شود. چنان چه نقض آشکار حقوق بشر در عربستان توسط آمریکا کمتر دیده می شود و یا اصلاً دیده نمی شود. اما این موضوع با سخت گیری مضاعفی در قبال ایران دنبال می شود. به هر حال، هدف هر دو کشور نوعی رهبری جهان اسلام است که به دلیل تضاد گفتمانی و معناساختی بحران بزرگی در روابط آنها پدید آورده است (Commins, 2014: xvi). همین موضوع باعث شده تا عربستان سعودی از حمایت های خاص آمریکا در منطقه برخوردار باشد و همواره به حمایت از سیاست های منطقه ای آمریکا جهت فشار بر ایران بهره ببرد. موضوع حقوق بشر یکی از این چالش ها به شمار می رود. در بررسی سیاست حقوق بشری آمریکا در خاورمیانه ضعف ساختاری که در برخورد های متناقض و استانداردهای دوگانه در رابطه با کشورها ریشه دارد، برخوردهای دوگانه آمریکا با عربستان، ایران، (حمایت نکردن از جنبش های مردمی در یمن به دلیل حفظ موقعیت امنیتی خود و در مقابل حمایت از معارضان دولت سوریه در چارچوب حمایت از حقوق بشر) دیده می شود (رئیسی زکی و درخشنده، ۱۳۹۴: ۲۴۲-۲۴۱).

به نظر می رسد بخش گسترده ای از موانع منطقه ای اجرای حقوق بشر در ایران به مواضع دوگانه سازمان های جهانی و کشورهای غربی حامی آنها مخصوصاً آمریکا باشد. این رویکرد در شکل گیری روابط خصمانه عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در منطقه نمایان است. به این دلیل که دو قدرت هرکدام مدعی رهبری در جهان اسلام هستند و دیدگاه های متفاوتی در قبال نظم منطقه ای دارند (Wehrey, 2009: 2). به نظر می رسد مهم ترین دلیل اتخاذ رویکردهای جهانی و منطقه ای آمریکا در زمینه حقوق بشر بر علیه ایران، سیاست های خاص ایران در منطقه باشد که مانعی برای تحقق اهداف منطقه ای آمریکا محسوب می شوند. همین مسأله باعث نزدیکی سیاست های آمریکا و عربستان در منطقه خاورمیانه شده است. چنان چه ورود ایران به بحرینی که کشور حیاتی برای منافع ملی آمریکا در نظر گرفته می شود و طبعاً به خاطر همسایگی با عربستان موجب به وجود آمدن نفوذ بیشتر ایران در عربستان می شود، باعث شد حتی آمریکا در قبال مداخله نظامی عربستان نیز سکوت اختیار کند؛ در واقع ملاحظات استراتژیک آمریکا باعث می شد تا قبل از توجه به حق ملت ها برای انتخاب حکومت خود، به ترتیبات امنیتی توجه کند (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۶). از زمان انعقاد پیمان اتحاد بین عربستان و آمریکا، عربستان همواره حامی و پیرو سیاست های آمریکا در منطقه بوده است و این معادله نفت در مقابل امنیت بعد از گذشت نیم قرن هنوز اعتبار

خود را برای طرفین معامله حفظ کرده است. عربستان در نظام بین‌الملل کوشیده است خود را به قدرت و گفتمان برتر جهانی پیوند زند و در هر دوره مطابق با اقدامات و اهداف قدرت جهانی عمل نماید (عباسی و گلی، ۱۳۹۴: ۱۵۵). همین مسأله باعث شده تا امریکا رویکردهای متفاوتی نسبت به ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه در قبال حقوق بشر داشته باشد که این موضوع همواره با انتقاد مقامات جمهوری اسلامی ایران از سازمان‌های بین‌المللی همسو با سیاست‌های امریکا همراه شده است.

## نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان گفت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر فعالیت‌های گسترده و مؤثری در زمینه بسط و حمایت از فعالیت‌های حقوق بشری در سطح جهان انجام می‌دهند و از این جهت با داشتن امکانات، ابزارها و رویکردهای گوناگون نقش قابل توجهی بر رصد اعمال حکومت‌ها ایفا می‌کنند. از جمله اینکه با صدور قطعنامه، اعلامیه و گزارش‌های مخصوص خود به حمایت از حقوق بشر در سراسر جهان می‌پردازند. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از اعضای این نهادها، نقش گسترده‌ای در ترویج برنامه‌های حقوق بشری از جمله آموزش و ترویج فرهنگ حقوق بشری داشته است. به عنوان مثال، ایران در طی سال‌های پس از انقلاب به عضویت پیمان‌های وین و حق آموزش به کودک درآمده است. از این حال، علیرغم همکاری نزدیک ایران در زمینه، انتقادات گسترده‌ای نیز به سازمان‌های حامی حقوق بشر وارد کرده است. از جمله اینکه اغلب گزارش‌های حقوق بشری گزارشگر سازمان ملل را مغرضانه و ایزاری برای فشار بر ایران در سایر زمینه‌ها از جمله حق فعالیت‌های هسته‌ای خود قلمداد می‌کند.

درباره وضعیت و آینده حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران می‌توان عوامل گوناگونی را در نظر گرفت. از حیث داخلی مسأله پذیرش معیارهای جهانی حقوق بشری در همه زمینه‌ها با تردیدهایی اساسی مواجه است. از جمله اینکه، مبانی حقوق بشر اسلامی رویکردهای متفاوتی نسبت به حقوق بشر غربی مطرح می‌کند و در بسیاری از زمینه‌ها نیز این رویکردها را زیر سؤال می‌برد و خواستار توجه بیشتر به معیارهای خاص حقوق بشر اسلامی می‌شوند. ضمن اینکه مسأله آموزش حقوق بشر در ایران همچنان با موانع گسترده‌ای روبرو است. در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مواضع خصمانه امریکا به عنوان حامی اصلی حقوق بشر در سطح جهان بر علیه ایران با شدت زیادی دنبال می‌شود. حتی گفته می‌شود رویکردهای امریکا از موضوعات سخت و نظامی به موضوعات نرم و دیپلماسی هوشمند تغییر کرده است. بدین معنا که با طرح مسائلی مانند نقض حقوق بشر و ایجاد فشارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای بر علیه نظام‌های مستقل مانند جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا منافع خود را به شکل مناسب تری توجیه کند. در عرصه منطقه‌ای نیز با تحریک هم‌پیمانان خود در منطقه، فشارهای مضاعفی را بر ایران وارد می‌کند. مهم‌ترین نمود عینی این فشارها مواضع دوگانه غرب و سازمان‌های بین‌المللی در قبال حقوق بشر در ایران و عربستان سعودی و بحرین است که به دلیل نزدیکی روابط امریکا و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس سختگیری چندانی نسبت به آنان اعمال نمی‌شود.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. برنل و رندال، پیترو و ویکی (۱۳۸۹)، مسائل جهان سوم؛ سیاست در جهان در حال توسعه، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
۳. پانیکار، ریموند (۱۳۹۴)، آیا حقوق بشر مفهومی غربی است؟ ترجمه امیرحسین نیکوی بندری، در زبان پدري؛ مجموعه مقالاتی درباره حقوق بشر، تألیف شانتال موف و دیگران، گزینش و ویرایش محمدمهدی ذوالقدری، چاپ دوم، تهران: نشر ترجمان.

۴. جاوید و مکرمی قرطاول، محمدجواد و یاسر (۱۳۹۱)، نقش کشورهای اسلامی در تدوین و تصویب اسناد جهانی حقوق بشر، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره اول، پاییز ۹۱، صص ۷۷-۵۱.
۵. جوادی ارجمند و دیگران، محمدجعفر (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی باراک اوباما در غرب آسیا و شمال آفریقا»، فصلنامه روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۹۵، صص ۸۷-۶۷.
۶. خامنه ای، سید علی (۱۳۸۰)، ویژگی‌های انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۱۴.
۸. دلاپورتا و دیانی، دوناتلا و ماریو (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ سوم، تهران: نشر کویر.
۹. راعی، مسعود (۱۳۹۱)، نسبت سنجی نظام بین‌المللی حقوق بشر و آموزه‌های اسلامی، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره اول، پاییز ۹۱، صص ۳۱-۹.
۱۰. راولز، جان (۱۳۹۰)، قانون مردمان، ترجمه جعفر محسنی، چاپ اول، تهران: نشر ققنوس.
۱۱. رز، ریچارد (۱۳۹۴)، حقوق بشر بدون مبانی، ترجمه مهدی خصلی، در زبان پدری؛ مجموعه مقالاتی درباره حقوق بشر، تألیف شانتال موف و دیگران، گزینش و ویرایش محمد مهدی ذوالقدری، چاپ دوم، تهران: نشر ترجمان.
۱۲. رئیسی زکی و درخشنده، لیلا و مریم (۱۳۹۴)، نقش و جایگاه حقوق بشر به عنوان قدرت نرم در سیاست خاورمیانه ای امریکا، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۹۴، صص ۲۴۵-۲۱۳.
۱۳. سلامتی، اخوان فرد و طالقانی (۱۳۹۴)، یعقوب و دیگران، تکلیف بر رعایت حق بر آموزش در حقوق اسلامی و مقررات حقوق بشر، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۹۴، صص ۱۰۴-۸۹.
۱۴. سلیمان زاده، احمد رضا (۱۳۹۴)، حقوق بشر، تهران: انتشارات پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
۱۵. عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۵)، نظریه اسلامی حقوق بشر دوستانه و صلح بین المللی با تأکید بر کرامت ذاتی و ارزش انسان، مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال چهارم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۹۵، صص ۳۷-۱۱.
۱۶. عباسی و گلی، ابراهیم و محمد (۱۳۹۴)، واکاوی زمینه‌های ناسازواری روابط ایران و عربستان براساس رویکرد تحلیل گفتمان، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره بیست پنجم، زمستان ۹۴، صص ۱۷۱-۱۴۱.
۱۷. فروغی نیا، حسین (۱۳۹۱)، بین المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره اول، پاییز ۹۱، صص ۱۷۳-۱۴۷.
۱۸. قادری کنگاوری و روئین تن، روح الله و مریم (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی نقش جنگ‌ها، جهانی شدن و پایان جنگ سرد، بر اثر افزایش سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد، فصلنامه اشراق بین الملل، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۷-۸۱.
۱۹. کدخدایی و ساعد، عباسعلی و نادر (۱۳۹۰)، نظام بین المللی حقوق بشر و جنگ نرم، راهبرد فرهنگ، شماره شانزدهم، زمستان ۹۰، صص ۷۶-۵۵.
۲۰. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۴)، قواعد فقه، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۲۱. معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات؛ گروهی از نویسندگان، معاونت حقوقی رئیس جمهوری، چاپ اول، تهران، نشر معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی.
۲۲. منصور، جهانگیر (۱۳۹۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ یکصدویکم، تهران: نشر دوران.
۲۳. مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۴. میلر، دیوید (۱۳۸۸)، فلسفه سیاسی، ترجمه کمال پولادی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
۲۵. نواب دانشمند، فریبا (۱۳۸۶) بررسی برخی از روش‌های آموزش حقوق بشر، مجله حقوقی، شماره ۳۷، صص ۱۶۷-۱۲۹.
26. Commins, David (2014), the Gulf States: A Modern History, London: I. B. Tauris Co Ltd.
27. Human rights training manual for police in the East African (2015), Community African Policing Civilian Oversight Forum All rights reserved.
28. Wehrey, Frederic (2009), Saudi-Iranian Relations since the fall of Saddam: Rivalry, Cooperation, and Implications for U.S. Policy, Santa Monica, CA: RAND Corporation- National Security Research Division.

## Regional and International Challenges for Human Rights Implementation in Iran

### Abstract:

The issue of human rights and its implementation in the Islamic Republic of Iran faces many internal, regional and international challenges. Regarding internal challenges, the existence of Islamic values and norms in the development, interpretation and implementation of human rights does not pay much attention to liberal, western, and imported approaches and pursues its own independent approach. Considering international challenges, it has been repeatedly revealed that human rights is a means to pressure other countries, including the Islamic Republic of Iran, in other areas. This dual approach is also pursued in the regional context. For example, despite the pressure on Iran by international institutions, the obvious violation of human rights in neighboring countries is not highlighted. Therefore, the present paper raised the following question: What are the regional and international challenges of human rights implementation in Iran? The hypothesis presented is that the dual approach of the West in dealing with human rights in Iran has created a wide range of regional, international, and internal challenges.

**Keywords:** Human Rights, Regional Challenges, International Challenges, Islamic Human Rights, Western human rights

